



سال اول شماره ۴
سه شنبه
۲۲ اردیبهشت
۱۴۰۴



دو هفته نامه قلم سیاست
صاحب امتیاز: انجمن علمی گروه علوم سیاسی
دانشگاه یاسوج
معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه یاسوج
سردبیر: فرشاد ائینه دار
مدیر مسئول: بهنام بختیاری
هئیت تحریریه: حسین یزدان پناهی، فرشید چراغی،
فاطمه احسانی، آرین تهمورثی، سیروس بنیادی فر

جاوید و سبز است نامت ای خلیج همیشه فارس



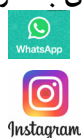
فضای مجازی، صحنه تئاتری که
کارگردانش
از بازیگرانش خوب بازی می گیرد



دیپلماسی واقعی یعنی
،ساختن پل های اعتماد
حتی روی رودخانه های خشم



پل ارتباطی با نشریه از طریق واتساپ
۰۹۳۵۴۳۷۸۰۸۷
ما را در اینستاگرام دنبال کنید
ghalam.siasat



بازگشت آرامش به مجموعه شهرداری بعد
از سال ها



مبداء میدان استاد و مقصد
بهارستان



خلیج فارس در اسناد تاریخی



دنا و مافیای آب



جاوید و سبز است نامت ای خلیج همیشه فارس

حسین یزدان
پناهی دانشجوی
کارشناسی علوم
سیاسی و دبیر
انجمن علمی علوم
سیاسی دانشگاه
یاسوج



با دست خدای مهربان حک شده است

خوش خط و به شیوۀ عیان حک شده است

نام تو خلیج فارس تا روز ابد

بر سَر در تاریخ جهان حک شده است

در آغاز آفرینش جهان و از عهدباستان پهنه ی بسیار بزرگ و پُر آب و آبی و شاداب و زنده ی جنوب کشورمان ، نشانه و نماد هویت ملی، وحدت و همدلی ، غیرتِ غیور مردان و همه ی مردم سرزمینمان خلیج فارس نام داشته و دارد و تا دنیا دنیاست به همین نام می ماند

این پهنه ی آبی گسترده ی کشورمان، سرمایه ی ملی و نشانه ی تمامیت ارضی ایرانیان در سراسر جهان و مایه ی شوکت و عظمت و اُمیدِ تمام مردم ایران است خلیج فارس وطنمان است، وطن یعنی خاک، وطن یعنی آب ، وطن یعنی مردم ، وطن یعنی یک عشق مُقدّس، وطن یعنی خلیج همیشه فارس ایران ای عشق مُقدّس ، ای آبهای زلال و حیات بخش مردم ایران، ای خلیج همیشه نیلگون فارس وَ ای جاودانه .ترین سرود عاشقانه و صادقانه وعارفانه،نام نامی ات هماره سبز و بهاری و باشکوه باد

ای خلیج همیشه فارس ، جوش و خروش تو، امواج را با وزن شعر عاشقی می رقصاند و نام و آوازه ی پرافتخار دورانت تنِ هر بیگانه ی گرگ و روباه صفتی را می لرزاند. بزرگی و عظمت و جمال و زیبایی تو ، روح ایران را حیات بخش می نماید و

فخر و مباهات تو ، دلیر و دلاور و شیر می‌کند هر ایرانی را، ای زیبایی جنوب ایران و ای زیبایی تمام ایران، نام جاودانه ات مرهون بزرگ مردانی ایرانی تبار است که با حماسه ها و شجاعت های خود یکی از بزرگترین رُخدادهای تاریخی را رقم زده اند و با فداکاریهاب خود دست و پای دشمن را از عرصه ی پُر وسعتِ تو کوتاه کرده اند. دلاوران ایرانی که با شجاعَتِ خاص، بیگانگانی امثال پُرتغالیها را از خلیج فارس و تنگه ی هُرمز با خِفَت و خواری بیرون راندند. ای سرچشمه ی شادابی ایران، ای خلیج فارس، تو همیشه و همیشه خلیج فارس هستی و خلیج فارس می مانی



ذخایر فراوان نفت و گاز نقش مهم و کلیدی در تجارت جهانی دارد و همواره مورد توجه بوده است. از دیدگاه زمین شناسان، خلیج فارس یک پهنه ی رسوبی است که در اثر فرونشینی پوسته ی زمین در حدود دو و نیم میلیون سال قبل شکل گرفته و به وجود آمده است از نظر آب و هوا، منطقهٔ خلیج فارس معمولاً گرم و خشک است. تابستانهایی بسیار گرم و مرطوب و زمستانهایی معتدل دارد به طور کلی خلیج فارس به علت موقعیت راهبردی و منابع مهم نفتی و گازی و غذایی مورد توجه کشورهای منطقه ای و اروپایی و آمریکا بوده است و اختلافات مرزی بین کشورهای حاشیه ی خلیج فارس از جمله مسائل مهم سیاسی و امنیتی در این منطقه می باشد

چون کشورهای حاشیه ی خلیج فارس بخش عُمه‌ه ای از نفت و گاز موردِ نیاز جهان را تأمین می کنند و این منابع، سرچشمه ی اصلی در آمد و ثروت این کشورها هستند از این رو شناختِ دقیق ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی این منطقه برای مدیریت پایدار منابع ، نگهداری محیط زیست و تضمین ثبات منطقه و همکاری بین کشورهای حاشیه ی خلیج فارس و جامعه ی بین المللی برای حفظ این منطقه برای نسل های آینده امری مُهم و ضروری است.

!خلیج فارس یا خلیج عربی؟

فرشید چراغی دانشجوی
کارشناسی علوم سیاسی



اقیانوس هند و دریای عرب راه دارد، و از غرب به دلتای رودخانهٔ اروندرود، که حاصل پیوند دو رودخانهٔ دجله و فرات و پیوستن رود کارون به آن است، پایان می‌یابد. هشت کشور در اطراف خلیج فارس قرار دارند. کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در حوضه خلیج فارس هستند. در این میان سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند.به سبب وجود منابع سرشار نفت و گاز در خلیج فارس و سواحل آن، این آبراهه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای مهم و راهبردی به‌شمار می‌آید. کشورهای عربی، از دهه ۱۹۶۰ میلادی و با گسترش اندیشه‌های پان عربی توسط جمال

عبدالناصر از نام خلیج عربی استفاده می‌کنند. این مطلب طی یک بخشنامه از طرف اتحادیه عرب به همه کشورهای عربی رسماً ابلاغ شده است. اما سایر کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی همچنان از نام اصلی و کهن خلیج فارس به‌صورت رسمی استفاده می‌کنند. طی چند روز اخیر دو مقام آمریکایی به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفتند که دونالد ترامپ، قصد دارد هفته آینده در جریان سفرش به عربستان سعودی اعلام کند که آمریکا از این پس خلیج فارس را با نام «خلیج عربی» خطاب خواهد کرد. این تغییر در نام، همزمان با تحولات دیپلماتیک میان واشنگتن و تهران در زمینه پرونده هسته‌ای و فشارهای عربی برای تغییر نام تاریخی خلیج فارس صورت می‌گیرد. عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران،به این تغییر واکنش نشان داده و آن را اقدامی با انگیزه‌های سیاسی و خصمانه دانسته است وی تاکید کرد که چنین اقداماتی هیچگونه مشروعیت قانونی و جغرافیایی نخواهد داشت و تنها خشم ایرانیان را در سراسر جهان برخواهد انگيخت.



بعد از این اتفاقات
همچنین دونالد
ترامپ رئیس
جمهور آمریکا
اعلام کرد که
هنوز تصمیمی
درباره تغییر نام
«خلیج فارس»
به «خلیج عربی»
نگرفته است.
او می گوید منتظر

دریافت گزارش‌های مربوط به این موضوع و همچنین نتایج مذاکرات با ایران است و افزود: «منی‌خواهم احساسات کسی را جریحه‌دار کنم.» البته این موضوع تغییر نام خلیج فارس توسط ترامپ تازگی ندارد و در سال ۲۰۱۷ در اولین دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ زمانی که او از نام خلیج عربی برای این دریا استفاده کرد رئیس جمهور وقت ایران حسن روحانی با اعتراض به این موضوع پیشنهاد کرد «ترامپ باید جغرافیا مطالعه کند.» دونالد ترامپ با این اتفاق در تلاش برای نزدیک شدن به کشورهای عربی خلیج فارس است زیرا به دنبال سرمایه‌گذاری آنها در آمریکا و کسب حمایت آنها در درگیری‌های منطقه‌ای از جمله حل و فصل جنگ اسرائیل و حماس در غزه و محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران است. در ادامه برای تحلیل این اتفاق به دو مورد خواهیم پرداخت: تمام ماجراهایی که به صورت جانبی مطرح میشود حتی جنگ پاکستان و هند و من این اعتقاد را دارم که حتی این جنگ پاکستان و هند این‌ها همه برای پوشش یک اتفاق مهم هست و اون اتفاق مهم چیزی نیست جز اون شکستی که آمریکا از انصار الله یمن خورده بود. بعد از آتش‌بسی که بین اسرائیل و لبنان اتفاق افتاد و فشارهایی که انجام شد و بعد آتش‌بسی که اسرائیل مجبور شد با حماس امضاء کنه این‌ها به این نتیجه رسیده بودند که محور مقاومت و ایران دیگه آن بعد نظامی وجود ندارد که بخواهند تأثیرگذاری خودشان را انجام بدهند، به همین دلیل آمدند در فضایی غیرنظامی کارهایشان را پیش بردند. خب دولت سوریه سقوط کرد و این‌ها از این موضوع سرمست بودند، یک طراحی ایران ایجاد میکنند و آن هم این بود که یمن وارد عمل می‌شود و بیان میدارد که اسرائیل به آن وعده‌هایی که به ما داده بود عمل نکرده و در غزه آن کارهایش را تکرار می‌کند. من هم مثل قبل سعی می‌کنم دوباره به اسرائیل موشک بزنم و شلیک کنم. کشتی‌های اسرائیلی در باب‌المنذب نباید عبور کنند چه مبدا اسرائیل باشد چه مقصد. و این‌جوری بود که دوباره یک تحریم علیه اسرائیل اجرا و عملیاتی شد. در اون زمان صحبتی از کشتی‌های آمریکایی و کشتی‌های دیگر کشورها وجود نداشت آن‌ها به‌راحتی می توانستند از باب‌المنذب عبور کنند. کشتی‌های تجاری و نظامی آمریکایی رد می‌شدند. ترامپ آنجا رگ گردنش اوت می‌کند و مطرح میکند که من برای حمایت از اسرائیل به انصارالله یمن حمله میکنم و آن را نابود می‌کنم. این‌قدر به آن حمله می‌کنم که دیگر نتواند موشک به اسرائیل بزند و اینکه دیگر نتواند کشتی‌های اسرائیل را تحریم کند که این‌ها از باب‌المنذب عبور نکنند، و به همین دلیل جنگ شروع می‌شود. دلیلش این بود که این‌ها برنامه داشتند اول به‌صورت هوایی حمله کنند بعد یک جنگ روانی علیه یمن به راه بندازند و یمن را گیر بندازند و فشار زیادی بیاورند که یمن رفتارش را تغییر بدهد و از محور مقاومت دور بشود ولی این اتفاق نیفتاد. هم‌زمان آمریکایی ها اومدند دو تا کار انجام بدهند. در ادامه یک حمله گسترده زمینی از طرف آمریکا و متحدانش ازجمله کشورهای عربی خصوصا امارات و عربستان آغاز بشود در یمن علیه انصارالله.و دیگری بحث مذاکراتی که با ایران داشتند که اینها از طریق ایران به یمن فشار بیاورند که یمن رفتارش را تغییر بدهد. در بحث حمله زمینی خود یمنی ها چنان شاهکارهایی انجام دادند و کارهای خیلی مهمی را انجام دادند که آن عملیات حمله زمینی آمریکا تا امروز به تعویق افتاد و دیگه واقعا هم احتمالا کنار گذاشتند. اگر هم قرار باشد این حمله مجدد رخ بدهد دیگر آمریکا به‌صورت مستقیم حضور نخواهد داشت. در بخش ایرانم رهبر ایران اومد گفت یمن نیروی نیابتی ما نیست دوست ماست، رفیق ماست نیروی نیابتی ما نیست که بهش دستور بدیم. نقشه‌های آمریکا شکست خورد اومد فشار خودشو گذاشت در بخش حملات سنگین هوایی به یمن که باز اون کاری که در غزه و لبنان کرده بودند اینجا هم انجام بدهند و مردم را وادار کنند که به انصارالله فشار بیاورند و انصارالله خودش را تغییر بدهد ولی این جواب نداد. برنامه ترامپ نگرفت و شکست خورد و برای‌اینکه این آبروریزی رو ببوشونه چند تا کار انجام شد: یکیش همون جنگ هند و پاکستان بود حمله‌ای که هندی‌ها انجام دادند. دوم صحبت هایی است که ترامپ دارد مطرح می‌کند مثلاً تغییر نام خلیج‌فارس. این بحث تغییر نام خلیج‌فارس به‌عنوان مثال برای چی مطرح شده؟برای‌اینکه ترامپ اومده بود به کشورهای عربی قول داده بود که من مسئله دخالت یمن را حل خواهم کرد.یمن کارش تمام هست.شما به راحتی بعد از یمن می‌تونید با اسرائیل پیمان صلح ابراهیم را ببندید. خب ترامپ نتوانست این کار را انجام بدهد عملاً ترامپ بازوی اقتصادی خودش که می‌خواهد اقتصاد آمریکا را ترامپ احیا کند و دو سال هم زمان نیاز دارد ثروتی است که از این کشورهای عربی باید به دست بیاورد. خب این‌جا

آنها از ضروریات ایجاد رابط بین دو کشور متخاصم می بیند، بدین گونه اند:

نکته اول: اینکه «حتی جاه طلب ترین رهبران و پرمدعا ترین آنها، حتی اگر در سال اژدها هم به دنیا آمده باشند، نیاز به تعامل و مذاکره و پذیرش گاه به گاه عقب نشینی دارند». لذا رهبران باید حاضر باشند برای مذاکره، حتی شده موقتی، از اصول خود کوتاه بیایند. نکته دوم: برای ایجاد رابط با آمریکا، همانگونه که رهبران ویتنام و آمریکا نشان دادند، اولین شرط اراده رهبران برای مذاکره و حل مسائل فی مابین است. برای این کار نیز رهبران باید ضمن ایجاد اجماع در بین نخبگان داخلی، «متعهد به احترام به نظام سیاسی یکدیگر شوند». در اینجا رهبرانی موفق تر عمل خواهند کرد که با مسئولیت پذیری «اگر از زیردستان خود خطرپذیری می خواهند، خودشان نیز در سختی ها از جمله گل و لای و پشه در جنگل(سیاست) سهیم شوند». بدین معنی که مسئولیت شکست ها را نیز برعهده بگیرند و نه صرفا افتخار پیروزی ها را از آن خود بدانند. لذا آشتی مستلزم کار سخت، نکته سوم: اینکه همان گونه که اوسیوس متذکر می شود، صرف دیدار مقامات در پشت درهای بسته و مذاکره رسمی، برای بهبود روابط کافی نیست. چرا که: «گاهی کوچک ترین حرکاتِ مثل دست دادن، لبخند یا حضور در مراسم محلی- بیش از هزاران ساعت مذاکره رسمی اعتبار دارد. این ها پل های نامرئی میان دشمنان سابق است». همان گونه که خود اوسیوس در ویتنام تجربه کرد:» «فکر نمی کردم خالی کردن یک سبد ماهی کپور در دریاچه هانوی، تأثیر بسیار بیشتری در مقایسه با یک بیانیه مطبوعاتی خواهد داشت».

و نکته آخر مربوط می شود به چیزی که آمریکایی ها، مذاکره کنندگان خط مقدم (first-line Negotiators)، می نامند. فرستادن نماینده های سطح اول در مذاکرات و حتی دید و بازدید مقامات بلندپایه کشورها، به معنای عمل گرایی و تلاش برای بهبود روابط است. در واقع تاریخ روابط کشورها نشان می دهد که برای ایجاد رابطه ای که سالها دشمنی طرفین را در عقبه خود دارد، شاید در ابتدا با دیدار نماینده های میانی شروع شود ولی برای ایجاد رابطه ای مناسب و حتی رفع کدورت ها، نیازمند دیدار بالاترین مقام های هر دو کشور است. مثل دیدار دنگ شائوپینگ رهبر چین از ژاپن و آمریکا. یا حتی دیدار مائو رهبرچین و نیکسون رئیس جمهور آمریکا. در ارتباط با ویتنام نیز اگر چه مذاکرات ابتدا در سطح میانی شروع شد ولی در ادامه، هم بیل کلینتون شخصا برای عادی سازی روابط به ویتنام رفت و هم اوباما برای تعمیق روابط، پای میز مذاکره با ویتنامی ها نشست. از طرف دیگر نیز در بازه زمانی مختلف، شاهد بازدید مقامات بلند پایه ویتنام، از معاون نخست وزیر، تا نخست وزیر و رئیس جمهور ویتنام از کاخ سفید هستیم.

خلیج فارس در گذر تاریخ	
علی التیام خو دانشجوی	
کارشناسی‌ارش	
د تاریخ ایران اسلامی	
دانشگاه یاسوج	
	
پیش از اسلام تا کنون،قطعا کشور های عرب نشین حوزه خلیج فارس در این که نام این پهنه ی آبی خلیج فارس هست تردیدی ندارند، پس چرا برای تغییر نام آن اینگونه تلاش میکنند؟ آیا از وجود این همه منابع و مستندات آگاه نیستند؟ آغاز تلاش آنها برای تغییر نام خلیج فارس اندیشه های پان عربی بود که از سال ۱۹۶۰ میلادی توسط جمال عبدالناصر در بین کشور های عربی گسترش یافت،و این نام از سوی ملی گرایان عرب مورد چالش واقع شد، این مطلب طی یک بخشنامه از طرف اتحادیه عرب به همه کشور های عربی ارسال شد اما این تحریف هرگز از سوی سازمان های بین المللی و کشور های جهان پذیرفته نشد، در سال ۱۹۹۹ مدرکی ارائه شد که جمال عبدالناصر قبل از شروع سیاست های پان عربی در تلگراف ارسالی به دولت بحرین از عبارت خلج فارس استفاده کرده است، یعنی جمال عبدالناصر که خود پایه گذار سیاست های پان عربی و ملی گرایی بود تا قبل از شروع سیاست های خود از نام خلیج فارس استفاده می کرده است.کشور های عربی به صورت پنهانی با صرف هزینه های هنگفت سعی در تغییر این نام دارند، اما دلایل تاریخی و حقوقی مانع خواسته آنها شده از جمله منابع حقوقی ۱-اسناد سازمان های بین المللی۲- نقشه های رسمی و غیر رسمی۳- قرارداد های رسمی ۴- کنواسیون ها می باشد. مدارک بی چون و چرای تاریخی از منابع یونانی و رومی گرفته تا منابع پر شمار دوران بعد از اسلام به عربی و فارسی حکایت از آن دارد که دست کم از دوران هخامنشیان در نوشته های یونانی و کتیبه های موجود در ایران همیشه نام این پهنه گسترده و استراتژیک خلج فارس یا دریای پارس بوده است. یکی از قدیمی ترین و مهم ترین منابع به دست آمده در این مورد کتیبه ایست که در موقع حفر کانال سوئز به دست آمد که نام این خلیج دریای پارس بوده است. از جمله مورخان و محققان دنیای قدیم،هرودت،نارخوس،استرابون کوسیوس در آثار خود این دریا را دریای پارس یا خلیج فارس نامیده اند. بطمبوس دو قرن پیش از میلاد این خلیج را پرسیکوس سینوس نامیده که به معنی خلیج فارس هست، همین نام در نقشه جهان هنریکوس مارتلوس در سال ۱۴۹۲ میلادی نیز به کار رفته است. وجود نام خلیج فارس در قالیچه ای در عراق متعلق به سال ۱۹۷۰ و همچنین نقشه دولتی عربستان گواه بر این مدعاست که دولت های عربی به خوبی می دانند نام این خلیج فارس می باشد،منتهی از ثروت و موقعیت خود برای تحریف این نام استفاده می کنند.	

فضای مجازی، صحنه تئاتری که کارگردانش از بازیگرانش خوب بازی می گیرد.	
آروین تهموری	
دانشجوی	
کارشناسی علوم	
سیاسی	
	
نمیدانم که میتوانم بدون مقدمه سراغ نتیجه بروم یا نه ؟آری وقتش رسیده است که بدون مقدمه به نتیجه برسم. فضای مجازی به طور قابل توجهی بر زندگی و آداب و رسوم مردم تاثیر دارد.	

استفاده نامناسب از فضای مجازی می تواند به مشکلات و مخاطراتی منجر شود از جمله افزایش وابستگی ، کاهش توجه ، افزایش استرس و اضطراب، آسیب های روانی ، خشم و تعریف از واقعیت ، کاهش تعامل اجتماعی و افزایش احساس تنهایی .
برای استفاده بهینه از فضای مجازی ، باید به اصول امنیتی و حریم خصوصی توجه کرده، از منابع معتبر و تایید شده استفاده کرده و از انتشار اخبار کاذب و تحریف شده پاسخ مناسبی داد.
همچنین ، باید به دوری از استفاده بیش از حد از فضای مجازی و بازی های رایانه ای توجه کرد و به جای آن، به فعالیت های دیگری مانند ورزش، مطالعه و گفتگو با دوستان پرداخت .

ولی اگر بخواهم با نگاهی واقع بینانه به این پدیده شوم نگاه کنم میبینم که .
زندگی بشریت به پرتگاهی خطرناک و غیر قابل بازگشت نزدیک شده است فضایی طراحی شده است که خواسته یا ناخواسته اکثریت جامعه جنبه های منفی آن شامل حالشان میشود کار هایی که ذات واقعیشان بد است در ذهن مردم مثبت تلقی .
شده است به اندازه ای که حاضرند برای آن بحث کنند و حتی از زندگیشان بگذرند اهل نفرین نیستم و نمیدانم که نفرین من به تو میرسد یا نه تویی که این فضا را طراحی کرده ای و شاید صدمی به اعتقادات من اعتقاد نداشته باشی ولی این را مطمئنم که اگر خدای من باشد آینده ای مخوف برای تو طراحی کرده است ،همانطور که با طراحی این فضا زندگی بشریت را به تاریکی تبدیل کرده ای ،همانند تمثیل افلاطون دقیقا این تمثیل درحال حاضر دارد کل زندگی بشریت را احاطه میکند اکثر آن سایه هایی که بشر درحال حاضر میبیند دروغین است و اگر کسی آن انسان های واقعی را ببیند آن را دیوانه تلقی میکنیم در فضایی که شما خواستید و برای ما طراحی کردید طواری کردید که به سختی کسی .
میتواند همانند آن انسانی باشد که از غار بیرون برود و با واقعیت و فضای رئالیسم روبه رو شود .

سایه هایی که مردم درحال حاضر میبینند و دوست دارند بجای آنها باشند در صورتی که نمیدانند آنها واقعی نیستند و تنها خودشانند که واقعی اند .
درد های مصنوعی که مردم نباید بکشند را به آنها تزریق میکنید و روان ،ذهن و جسمشان را تحت تاثیر این درد قرار میدهید .
من نمیدانم که کسی که این فضا را طراحی کرده است

به دنبال چه چیزی است ولی این را خوب میدانم که با این کار فقط به دنبال این بوده است که بشریت را مشغول کند ،آری درست شنیده ای مشغول ،مشغول کارهای بیپوده ای که نتواند فکر کند .چرایش را نمیدانم ولی خوب میدانم که فکر کردن و به حقیقت رسیدن این مردم او را بد آزار می داده ولی کارگردان این بازی یعنی فضای مجازی خوب توانست از بشریت بازی بگیرد یک فضای تئاتر ایجاد کرد که اکثر بازیگرانش که اکثریت جامعه را شامل میشوند خودشان نباشند و نقش دیگری را به عهده بگیرند و بازی کنند نمونه بارز این امر عمل های زیبایی ،فیلتر ها و انتشار چیز هایی که نیستند یا ندارند. و اگر توجه کنیم و به شاخص ها بنگریم هدف اصلیشان هم کشور های جهان سوم و یا در حال توسعه بوده است ،همانطور که میدانیم کشور های درحال توسعه مسیر هموار تری دارند تا به توسعه برسند زیرا میتوانند از تجربه های کشور های توسعه یافته استفاده کنند ولی بنظر من این یکی از پدیده هایی است که کشور های توسعه یافته با این کار این همواری مسیر را برای آنها با چالش مواجهه کرده اند چالشی که مردم آنها قریانیان اصلی این فضا هستند.

مبدا میدان استاد است و مقصد بهارستان.

	فاطمیما احسانی
	دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
	به گزارش فاطیما احسانی،فعال فرهنگی و خبرنگار نشریه قلم سیاست، جمعی از دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه یاسوج به دعوت دکتر محمد بهرامی نماینده
	مردم بویراحمد، دنا و مارگون در مجلس شورای اسلامی و مساعدت معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه یاسوج ، سفری فراهم شد تا نگارنده فرصتی

برای جمع آوری اطلاعات از خانه ملت به دست بیاورد. در ساعت ۱۵:۳۰ روز سه شنبه ، ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ به سمت مقصد حرکت کردیم. در راه کمی استراحت کردیم و بالاخره ساعت پنج صبح روز فردا به تهران رسیدیم.
کلید پژوهش در میدان بهارستان بود و ما نیز یادداشت بردار گفته های استاد پرن :میدان بهارستان تاریخچه ای پر حادثه و خاستگاه بسیاری از تحولات تاریخی ایران بوده است. اولین مجلس قانون گذاری ایران در دوران مشروطه، ترور میرزا علی اصغر خان اتابک، به توب بستن مجلس و تظاهرات، زد و خورد ها و راهپیمایی های متعدد در اعتراض و در حمایت از دولت دکتر محمد مصدق، بخشی از حوادث تاریخی است که در این محل رخ داده است.

	استاد بعد از این صحبت ما را به سمت ماشین زمان مجلس هدایت می‌کند(موزه).
	از نقاشی های کمالالملک گرفته تا سکه های اروپایی و مجسمه های شاهنشاهی. چشم می‌گردد و قاجار با آن پیشینه نابود دولتش، مجلسش رخ‌نمایی می‌کند و ابهت تصمیمات آن زمان را با حمله‌هایی که به ساختمانش شد نشان می‌دهد این یعنی ایرانی ، عدالت‌خواه و آزادمند است ؛ عاری از استعمار ، عاری نفوذ ، با استقلال و همراه آزادی.
	شکوهمندانه بود اگر مردم می‌خواستند و حمایت می‌کردند.موزه خانه ملت با یک مستند کلی از سیر رسالتش به اتمام می‌رسد و بالاخره به سمت صحن حرکت می‌کنیم.منتظر یک منظره باشکوه با افرادی عدالت‌خواهم که تا چشم می‌گردد استدلال و منطق کار می‌کند. با همین دید آرمانی وارد می‌شویم و بلندگوها ورود را اعلام می‌کنند : خیرمقدم خدمت دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه یاسوج که با دعوت برادر گرامی جناب آقای دکتر بهرامی به اینجا تشریف آوردندبا نگاهی موشکافانه صحن را واری می‌کنیم. اصلا آرمانی نیست؛ منظم نبودن و هرج مرج از ویژگی های اصلی آن است.بعضی نمایندگان برای خود گروه تشکیل داده‌اند و برخی دیگر درحال رایزنی های سیاسی خیمه زده‌اند بر سر نماینده‌ی بانفوذ . افرادی هم گوش می‌گیرند و جناح‌ها را حفظ می‌کنند برای مخالفت و موافقت با لایحه ها .
	به عنوان یک دانشجوی علوم سیاسی ، در آن‌ها هم‌افق بودن مشاهده نمی‌شود ، یا هم‌کلمه بودن ، و حتی هم‌تعریف بود اصلا جمع آنها در تفرقشان بود. هر کس منطقه خودش برایش مهم بود و گویا توانایی نداشتن آن موضوع را ملی کنند.

